

ابراهیم پیامبر (ص)

در قرآن و مثنوی مولوی

محمدرضا رهبران
دبیر ادبیات دبیرستان های قم

اشاره

نگاهی گذرا به زندگی و شخصیت حضرت ابراهیم از منظر قرآن و انعکاس آن در ادبیات فارسی به ویژه در مثنوی مولوی.

کلیدواژه ها: قرآن، ابراهیم، مولوی، مثنوی

در قرآن کریم، حضرت ابراهیم بزرگ ترین پرچم دار آیین یگانه پرستی و نماد یگانگی ادیان الهی است؛ دومین پیامبر اولوالعزم، که در قرآن ۶۹ مرتبه و در ۲۵ سوره از او یاد شده است. لقبش خلیل الله است که هم در تورات و هم در قرآن بدان اشاره شده است. (نساء/۱۲۵) چهاردهمین سوره قرآن به نام اوست. نیای بزرگ عرب از طریق پسرش، اسماعیل و بنی اسرائیل از طریق پسر دیگرش اسحاق است. سیر زندگی ابراهیم در عهد عتیق تا اندازه ای به دست داده شده است و گفته اند که ولادت او بین سال های ۲۰۰۰ تا ۱۹۹۰ ق. م بوده است. شوش یا سرزمین بابل و حران را زادگاه ابراهیم دانسته و مدت عمرش را از ۱۷۵ تا ۲۰۰ سال نوشته اند. نام او در تورات «ابرام» یا «آبراهام» تلفظ می شود، به معنی پدر عالی (نک:

قاموس کتاب مقدس). نام پدر ابراهیم «تارخ» یا «تارح» بوده ولی گاه در منابع اسلامی از آزر به عنوان پدر ابراهیم یاد کرده اند. (طبری، ۱۳۳۹، ج ۲: ۴۶۸) و نیز (الاسحاق نیشابوری، ۱۳۴۰: ۴۳) اما در منابع شیعه، آزر، عموی ابراهیم دانسته شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۷: ۲۹۱)

ابراهیم دو همسر داشته است: یکی ساره که در ابتدا نازا بود و بعدها اسحاق از او زاده شد و دیگری هاجر که اسماعیل از اوست. آنچه از آیات قرآن در خصوص ابراهیم دیده می شود بیشتر ناظر بر حیات دینی و اعتقادی و اخلاقی اوست که

در عهد عتیق به آن ها اشاره نشده است در این آیات اساساً از ابراهیم به عنوان مردی مصلح و موحد سخن به میان آمده و تکامل اندیشه دینی و اجتماعی او در مقابله با تفکر غالب بر جامعه یعنی شرک باز نموده شده است.

احتجاج ها و براهین در رد بت پرستی در آیات (انعام: ۷۴)، (مریم: ۴۲)، (انبیاء: ۵۲)، (شعراء: ۷۱ تا ۷۳)، (عنکبوت: ۱۷ و ۲۵)، (صافات: ۸۵)، (زخرف: ۲۶)، و استدلال او بر بطلان پرستش اجرام آسمانی در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام بیان شده است. به روایت قرآن، ابراهیم با نفی پرستش پدیده های آسمانی - که در آن زمان رایج بود - به احتجاج پرداخت و مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد. ابراهیم براساس «برهان محبت» در این مجادله می گوید که اجرام آسمانی آفل اند و هر چیزی که آفل است محبوب نیست: «لَا أَحِبُّ الْآفَلِینَ». بنابراین اجرام آسمانی، محبوب نیستند و تنها وجودی محبوب است که طلوع و افول نداشته باشد و آن خدای یکتاست. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۷: ۱۷۷)

ابراهیم دو بار با آزر بر سر دین قوم به جدال پرداخت و پس از دومین بار بود که آزر او را از خود راند و ابراهیم اقدام به مهاجرت کرد. مخالفت اولیه آزر او را بر آن داشت که بت ها را بشکند و این کار را به بت بزرگ نسبت دهد و از قوم بخواهد که علت آن را از همان بت بپرسند. سرانجام، نمرود وی را به خاطر شکستن بت ها در آتش افکند اما پروردگار آتش را بر او سرد و گلستان گردانید. نام نمرود در قرآن ذکر نشده، اما در تفاسیر ذیل آیه ۲۵۸ از سوره بقره «المر ترالی الذی حاج ابراهیم فی ربه ...» نام

کسی که با حضرت ابراهیم در خصوص پروردگار بحث و مجادله کرده، نمرود ذکر شده است.

(میبیدی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۷۰۴) و (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۲۱) عین عبارت قرآن





چنین است: آن کسی را که خدا به او پادشاهی ارزانی کرده بود ندیدی که با ابراهیم دربارهٔ پروردگارش محاجه می کرد؟ آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من زنده می کند و می میراند. او گفت: من نیز زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق برمی آورد؛ تو آن را از مغرب برآور. آن کافر حیران شد؛ زیرا خدا ستمکاران را هدایت نمی کند. (بقره/ ۲۵۸)

به روایت قرآن، ابراهیم در پی مناقشه با نمروود یا به درخواست قوم خود، از خدا خواست تا نشان دهد که چگونه مردگان را زنده می گرداند. خداوند فرمود: مگر (به معاد) ایمان نداری؟ گفت: آری، ولی می خواهم اطمینان قلب و شهود پیدا کنم. فرمود: پس چهار نوع مرغ را بگیر و آن ها را قطعه قطعه کن، سپس بر هر کوهی قسمتی از آن ها را قرار ده. آنگاه آن ها را بخوان که به سوی تو با سرعت می آیند، و بدان که خداوند عزیز و حکیم است. (بقره/ ۲۶۰)

از حوادث مهم زندگی ابراهیم، می توان به بنای کعبه به دست او و اسماعیل و «مقام ابراهیم» اشاره کرد. (بقره/ ۱۲۷) و (آل عمران/ ۹۷). ابراهیم پس از فراغت از بنای کعبه دستور حج را صادر کرد و آیین و اعمال مربوط به آن را تشریح نمود. (حج/ ۲۶ الی ۳۰) و نیز، داستان قربانی کردن یکی از فرزندان او. ابراهیم فرمان الهی را با فرزندش در میان گذاشت و آنان تابع امر خداوند شدند ولی اندکی قبل از قربانی کردن فرزند، خداوند ذبح عظیمی (گوسفند یا قوچی) را فدا و عوض عمل او قرار داد. (صافات/ ۱۰۱ الی ۱۰۷) در قرآن اشاره مستقیمی به ذبیح نشده است و مفسران در این باره نظریات گوناگونی ابراز کرده اند. طبری پس از ذکر دلایلی، نتیجه می گیرد که قربانی اسماعیل بوده است نه اسحاق. (طبری، ۱۳۳۹، ج ۶: ۱۵۳۰ تا ۱۵۴۰). در روایات و کتب شیعی نیز ذبیح الله، اسماعیل دانسته شده است. (نک: مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۳ و من لایحضره الفقیه، ج ۲: ۱۴۸ و المیزان، ج ۱۷: ۲۳۴)

ابراهیم از پیامبرانی است که هم در قرآن و هم در عهدین به نیکوترین وجه ستایش شده اما اشاراتی که در قرآن به مقام و منزلت او در نزد خداوند شده چنین است: خداوند او را خلیل خود خوانده (نساء/ ۱۲۵) دین اسلام به ابراهیم نسبت داده شده (حج/ ۷۸) و دین و آیین او را حنیف نام نهاده اند (انعام/ ۱۶۱) و نیز از میثاق خدا با ابراهیم (بقره/ ۱۲۵)، (احزاب/ ۷/۳۳) سخن رفته و یادآوری شده است که خدا ابراهیم را آزمایش ها کرد و او از همه سرافراز بیرون آمد. پس خدا او را پیشوایی خلق داد (بقره/ ۱۲۴) خداوند او را در دنیا برگزید و او در آخرت از زمره صالحین است (بقره/ ۱۳۰) ابراهیم مردی فروتن و بردبار است و دو بار بر صفت حلم او تأکید شده است. (هود/ ۷۵ و توبه/ ۱۱۴) ابن عربی در فص پنجم خود به ابراهیم خلیل و صفات، مراتب و شخصیت او پرداخته و برای او مقام و منزلتی خاص قائل شده است. (فصوص الحکم: ۳۲۷)

سیمای حضرت ابراهیم بنا بر روایت های قرآن و متون تفسیری و گاه تورات در ادبیات فارسی بسیار مورد توجه بوده و بارها تلمیحاتی به شخصیت و حوادث زندگی وی اشاره شده است.

- به منجنیق عذاب اندرم چو ابراهیم
به آتش حسراتم فکند خواهندی (شهید بلخی)
- باز ابراهیم را بین دل شده
منجنیق و آتشش منزل شده (منطق الطیر)
- یا رب این آتش که بر جان من است
سرد کن آن سان که کردی بر خلیل (حافظ)
- کمان گروه گیران ندارد آن مهره
که چار مرغ خلیل اندر آورد به هوا (خاقانی)
ابراهیم در ادب فارسی، مظهر توحید، توکل، تسلیم و اطاعت، بت شکنی و مهمان دوستی است. داستان مهمانان ابراهیم که در قرآن مجید و تورات مسطور است، موجب گردیده که علمای حدیث و اخلاق ابراهیم را مهمان دوست بدانند. سعدی در بوستان، باب دوم از ابراهیم و مهمان گبر وی سخن رانده است:

شنیدم که یک هفته ابن السبیل
نیامد به مهمان سرای خلیل
(بوستان سعدی، ۱۳۷۵: ۸۰)

«سیمای ابراهیم در ادبیات عرفانی، علاوه بر پیغمبری، سیمای عارف حق جویی است که از اقلیم حس تا قلمرو عشق با صفایی روحانی، همه جا جویای پروردگار خویش است و طالب نیل به شناخت و لقای اوست. در مبارزه اش با بت ها، در تأویلی که از آن می شود به ویژه در مثنوی مولوی، در واقع نوعی مجاهده با نفس اماره است.» (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۵۱)

مولوی از حوادث زندگی ابراهیم که متضمن اشارات الهی و عرفانی است، بسیار سود برده و لایه لای اثر عظیم خود بارها به ابراهیم و ویژگی های شخصیتی او اشاره کرده است. در نظر مولوی، ابراهیم بیش از هر چیز نماد و مظهر بت شکنی است:

بت شکن بودست اصل اصل ما
چون خلیل حق و جمله انبیا (۴/ ۸۱۴)

ابراهیم وقتی فرزندش را به حکم رویایی می بایست قربانی کند، در اقدام عمل قربانی کردن فرزند در راه حق تزلزلی به خود راه نمی دهد و می گوید:

من خلیلم تو پسر پیش بچک
سر بنه آئی ارانی اذیحک (۳/ ۴۱۷۴)

مولوی با توجه به استدلال ابراهیم بر بطلان پرستش اجرام آسمانی در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام، تقلیدهای کورکورانه را نفی می کند:

مرما تقلیدشان بر باد باد
ای دو صد لعنت بر این تقلید باد
خاصه تقلید چنین بی حاصلان
خشم ابراهیم با بر آفلان (۲/ ۵۶۳ - ۵۶۴)

دنباله مطلب در وبگاه نشریه